واکاوی شرایط اخلاقی جامعه برای نقش آفرینی زنان

رویا مرادی[۱]، دکتر یداله ملکی[۲*]، دکتر شیرمحمد علیپور عبدلی[۲]
۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران
۲. گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۹، تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۳۰)

چکیده

زمینه: حضور زنان در اجتماع را با توجه به شایستگی‌ها و توانمندی‌های ذاتی و اکتسابی‌شان می‌توان به عنوان یک مقوله مهم اجتماعی در نظر گرفت. از ضرورت‌هایی که در جامعه امروزی مورد توجه قرار گرفته، لزوم حضور بانوان در برخی مشاغل و مسئولیت‌های اجتماعی خاص است و این ضرورت حضور، برای خدمات‌رسانی به افراد جامعه امری کاملا بدیهی و مشهود است. اسلام نیز بر اساس بسیاری از مدارک و مستندات حضور زنان در جامعه را تصدیق نموده است. مسئله مورد بحث در نوشتار حاضر این است که آیا زنان با توجه به توانایی‌ها و شایستگی‌های اکتسابی و فطری خود می‌توانند در مناصب مهم سیاسی و اجتماعی به نقش‌آفرینی بپردازند؟

نتیجه گیری: با علم به اینکه حفظ و تحکیم بنیان خانواده، از اساسی‌ترین ارکان مورد توجه دین اسلام است، قطعا حضور اجتماعی زنان نباید خلل و تزلزلی در این امر مهم ایجاد نماید. بر همین اساس، تحقیق پیش رو به بررسی نقطه نظرات دین مبین اسلام درباره حضور اجتماعی زنان بر اساس توانایی و قابلیت‌های ذاتی و اکتسابی‌شان می‌پردازد. اکنون که ضرورت حضور زن در جامعه کاملا منطقی و اجتناب‌ناپذیر است. سوال دیگری مطرح می‌شود که کیفیتِ حضور و ملاک و شرایطِ نقش‌آفرینی او در اجتماع با توجه به دستورات دینی و الزامات اخلاقی چگونه باید باشد؟ برای پاسخگویی به سؤالات مذکور در تحقیق حاضر که به روش توصیفی – تحلیلی و با بهره گیری از منابع و متون کتابخانه‌ای به انجام رسیده است این نتیجه حاصل گردیده که مشارکت اجتماعی زنان در قالب اشتغال از دیدگاه اسلام طبق شرایطی مجاز شناخته شده است با این حال بایست به ضروریات و الزامات مربوط به آن نیز توجه داشت. از سوی دیگر اشتغال بی‌رویه زنان در جامعه امروز با چالش‌های اخلاقی متعددی روبرو است که از آن جمله می‌توان به «بی عدالتی و تکلیف مالایطاق»، «سوء استفاده و آزارهای جنسی علیه زنان»، «عدم تمایل به فرزندآوری»، «ایجاد روحیه تقابل بین همسران» و «جدایی و طلاق» اشاره نمود.

کلیدواژگان: نقش آفرینی زنان، اجتماع، اخلاق

سرآغاز

موضوع حضور اجتماعی زنان و نقش‌آفرینی[۱] این قشر در عرصه‌ی مسائل جامعه یکی از نقاط مورد بحث و چالش‌برانگیز در جوامع و فرهنگ‌های مختلف بوده است. در جامعه‌ی ایران نیز برخوردهای توأم با افراط و تفریط و نگاه‌های غرب‌زده یا متحجرانه در مواجهه با این مسئله مشکلاتی را ایجاد کرده است.

اگر چه فعالیت زن در عرصه اجتماعی اهمیت دارد و واجب است اما باید توجه کرد که فعالیت بدون قید و شرطی زن در حوزه عمومی، نه تنها موفقیتی برای وی به ارمغان نخواهد آورد، بلکه به کرامت انسانی و شخصیت واقعی او نیز لطمه خواهد زد. چنین زنی نه تنها نمی‌تواند همچون مردان به تلاش و فعالیت اجتماعی[۲] پرداخته، موجب پیشرفت جامعهٔ خود شود، بلکه تا حد زیادی، خنثی کنندهٔ نیروی فکری و حتی فیزیکی مردان نیز خواهد بود.

تجربهٔ اجتماعی[۳] زنان غربی بهترین شاهد بر این ادعاست. انواع معضلات اجتماعی[۴] همچون تجاوز و آزارهای جنسی[۵]، سستی و از هم گسیختگی بنیان خانواده، فرار دختران از خانه، بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین و .... همه از پیامدهای سوء آزادی بی قید و شرط فرهنگ نوین غربی است (۱). زن به عنوان نیمی از پیکرهٔ اجتماع نقش بسیار مهمی در رشد و تعالی بشر و جامعه بشری دارد (۲). طبق نظر اسلام، نه تنها زنان همانند مردان در مسئولیت‌های اجتماعی[۶] جایگاه و پایگاهِ مناسبی دارند و از فعالیت‌های گروهی و حرکت‌های اجتماعی منع نگردیده‌اند، بلکه طبق آموزه‌های قرآن و حدیث این مسئولیت‌های اجتماعی، بطور یکسان به آنها محول شده است و زنان هم می‌توانند در همه عرصه‌های مورد مداخله مردان، دخالت داشته باشند، مگر موارد استثنایی (۳).

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: ydt52120@gmail.com

مقاله مروری
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال شانزدهم، شماره ۳، ۱۴۰۰

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1400.16.3.3.0]

در این میان باید توجه داشت که رویارویی بانوان به مشاغل هر چند نوید توجه به حضور اجتماعی آنان است و همواره بر اساس استدلال هایی بر آن صحه گذاشته شده با این وصف با مشکلات زیادی به ویژه از منظر اخلاقی مواجه است. زن بر اساس نوع جنسیت و نقش بسیار مهم و اساسی که در عرصه خانواده به عنوان مرکز محبت و ثقل اساسی تربیت اعضای خانواده تلقی می‌شود و نوع تعامل و جایگاهش زمینه ظهور و بروز صفات خوب و بد اخلاقی در خانواده و به تبع آن اجتماع می‌گردد به عهده گرفتن مسئولیت های جانبی دیگر می‌تواند چنین نقش اساسی را با مشکل مواجه سازد. یکی از این مسئولیت های جانبی که ممکن است در برخی موارد به عنوان مسئولیت اصلی و اولی زن تلقی گردد، «اشتغال» بانوان است که می‌تواند تأثیرات خود را در ابعاد مختلف خانواده و بیشتر در روابط اخلاقی[7] فیمابین اعضای خانواده نشان دهد.تحقیق حاضر قصد دارد تا با بررسی منابع موجود فقهی شرایط و ملاک حضور بانوان در اجتماع را مورد مداقه قرار داده وو شرایط اخلاقی جامعه را در این راستا مورد بحث و بررسی قرار دهد.

برابری زن و مرد

آیات گوناگونی در قرآن کریم سرشت زن و مرد را برابر می‌داند و همهٔ تفاسیری که سعی داشتند زنان را موجوداتی پست‌تر از مردان و یا عنصر گناه معرفی کنند، رد می‌کند و به صراحت بیان می‌کند، اسلام با تمام عقاید غلطی که در رابطه با زنان درآن زمان وجود داشته به مبارزه پرداخته است (۴). در اسلام حقوق زن و مرد مساوی، اما غیر-مشابه است. بدین معنی که زن و مرد به سبب تفاوت در خلقت، در حقوق و تکالیف نیز متفاوت هستند و این به عنوان یک قانون طبیعی با قوانین قراردادی قابل تغییر نیست. هر موجودی بنابر هدفی خلق شده که مبتنی بر آن هدف، استعدادی در وجودش به ودیعه گذاشته شده، و هر استعداد طبیعی، مبنای یک حق طبیعی است. بنابراین، حق آموزش و تحصیل برای تمامی انسان‌ها به دلیل وجود استعداد باید وجود داشته باشد(۵). عدم تشابه حقوق زن و مرد، لازمهٔ برقراری اصل عدل[8] در روابط ایشان است و این امر، قراردادی و ساخته شده توسط انسان ها و یا جوامع نیست بلکه به دلیل تفاوت‌های طبیعی آنهاست، که زن را در وضع مناسبی قرار می‌دهد که نه شخصش آسیب ببیند و نه شخصیتش. (۵).

تفاوت زن و مرد از جهات گوناگون، بر اساس تناسب و تکامل است، نه نقص و ضعف. درحقیقت، مرد و زن در دو مدار متفاوت قرار دارند که هر یک برای رسیدن به رستگاری و کمال[9]، باید مسیر طبیعی خود را طی کند و خروج هر یک، از مدار اصلی رشد و حرکت خود مانع دستیابی آنها به رستگاری خواهد بود که متناسب با طبیعت خلقت‌شان برنامه‌ریزی شده است. (۵).

مشارکت اجتماعی زنان

شریعت اسلام، برای حمایت از فعالیت اجتماعی زنان، مقرّراتی را وضع کرده، که علاوه بر بعد معنوی و سعادت ابدی زن از شخصیت و هویّت واقعی او نیز حمایت می‌کند، از جمله، آداب پوشش در اجتماع، چگونگی ارتباط با مردان نامحرم، نحوهٔ راه رفتن زن و حمایت از حضور زن در عرصهٔ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. (۱).

حجاب، عامل آزادی زن[10] و حضور او در اجتماع است و نه زمینه اسارت او. اسلام با تعیین پوشش برای زنان، جواز حضور اجتماعی آنان را صادر کرده است؛ چراکه وجوب حجاب، خود بیانگر مجاز بودن مشارکت اجتماعی زنان است. از این‌رو، حصار دانستن حجاب زن، بسیار بی‌اساس است. مطهری می‌نویسد: "حکم حجاب برای زن، به معنای پرده‌نشینی نیست. بلکه به معنای حفظ شخصیت و پوشش اندام تحریک‌آمیز او در برابر بیگانگان می‌باشد." (۴)

اشتغال زنان به معنای حضور گسترده آنان در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی ـ هنری و حوزه‌های سیاسی ـ اجتماعی، در خارج از محیط خانه، در ساعاتی معین است. این حضور، گاه به‌طور انعطاف‌پذیر و محدود ومتناسب با ساختار روحی و روانی زنان است و توأم با حفظ سلامت کانون خانواده و عدم آسیب‌پذیری تربیت فرزندان و با انگیزه به دوش کشیدن قسمتی از بار اقتصادی خانواده انجام می‌گیرد و گاه فعالیت‌های زنان در عرصه‌های مختلف در ساعات معین، خارج از محیط خانه به شکل انعطاف‌ناپذیر در کارخانه‌ها، اداره‌ها و ... که ساختار و نوع عملکرد خانواده را دستخوش تغییر قرار خواهد داد، صورت می‌پذیرد.

آزادی و اشتغال زنان در غرب اغلب از دریچه اقتصادی نگریسته شده است، در این نگاه، نقش مادری و همسری تحقیر می‌شود و نه تنها به این فعالیت عمیق فرهنگی و انسان ساز توجه نمی‌شود، حتی از تأثیر اقتصادی خانه داری و نقش آنها در بهره‌وری اقتصادی[11] جامعه غفلت می‌شود. پیش از آن، زن در محیط خانواده شخصیتی توانمند بود و شخصیت‌های توانمند را به جامعه عرضه می‌کرد؛ ولی او در جهان مدرن، با تغییر نقش و جایگاه خود، سازندگی انسانی را با تولید قطعات سخت افزار و خدمات انسانی را با خدمات اداری معاوضه کرد و به موجودی ضعیف و کم اهمیت تنطل یافت. پیامد این نگاه، چالش هایی جدی بود که برخی از آنها عبارتند از: زندگی های بی روح، شرایط نامناسب در محیط کار، فقدان تفاهم و سازگاری با همسران و بالاخره فرزندانی که در دامن عاطفه مادری پرورش نمی‌یافتند و در اولین فرصت، پیوند خویش را از خانواده می‌گسیختند و والدین را مانعی بر سر راه خویش می‌دانستند(۶). از این رو اشتغال زنان را نمی‌توان به‌طور مطلق، امری مثبت یا منفی تلقی نمود. این مقوله دارای محاسن و معایبی است. برخی از محاسن آن عبارت است از: کمک به اقتصاد خانواده، عزت‌مندی اجتماعی، اثبات قابلیت‌های زنان در عرصه‌های اجتماعی، استقلال مالکیت[12]، فرار از تنهاییِ ناشی از تجرّد یا زمان فراغت، به دست آوردن پشتوانه‌ای برای ایام پیری، ضرورت حضور در عرصه‌های زنان ازجمله معلمیِ مدارس دخترانه، طبابت زنان و مامایی (۷). همچنین سلب مسئولیت از مردان در تأمین هزینه‌های زندگی، کنترل جمعیت[13] و کاهش میل زنان شاغل به فرزندآوری، رشد منفی جمعیت و پیری آن، حفظ حیات نظام سرمایه‌داری[14] به‌منظور تحصیل بیشتر و به‌ناچار مصرف بیشتر، بالا رفتن میزان آسیب‌پذیری

مقاله مروری
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال شانزدهم، شماره ۳، ۱۴۰۰
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1400.16.3.3.0]

کودکان به‌خصوص در سال‌های ابتدایی رشد، برخی از معایب اشتغال زنان می‌باشد.

دیدگاه اسلام نسبت به نقش آفرینی زنان

اسلام هیچ‌گاه زن را از فعالیت‌ها و مسؤولیت‌های اجتماعی محروم نکرده، بلکه او را تشویق و ترغیب هم نموده است. اما همچون سایر امور، آن را بدون قید و شرط رها نکرده و برای آن شرایط و ضوابطی تعیین نموده است، تا با رعایت مستمر این ضوابط، هم کانون خانواده حفظ شود و هم از رشد تباهی و فساد در جامعه جلوگیری به عمل آید در این جا لازم است جواز حضور زنان و نقش آفرینی آنان را در اجتماع، از منظر قرآن و سنت مورد بررسی قرار دهیم.

قرآن کریم

از آیات قرآن کریم استنباط می‌شود فعالیت اجتماعی برای زنان جایز بوده و اشکال شرعی ندارد. به طور مثال فعالیت اقتصادی در آیهٔ ۳۲ سورهٔ نساء "لِلرِّجالِ نَصیبٌ مِمَّا اکْتَسَبُوا وَ لِلنِّساءِ نَصیبٌ مِمَّا اکْتَسَبْنَ): مردان را از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه (به اختیار) کسب کرده‌اند، بهره‌ای است." (۸). یعنی اگر زن یا مرد از راه فعالیت خود درآمدی کسب کنند، مربوط به خودشان است. در این جا، کلمهٔ "اکتساب" شامل عمل اختیاری و غیراختیاری را می‌شود (۹). آیهٔ ۱۰ سورهٔ جمعه نیز با اطلاق خود، بر جواز اشتغال و فعالیت اجتماعی منجر به درآمد زنان دلالت دارد: هنگامی که نماز پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید... ." که دلالت این آیه بر جواز کار و فعالیت اجتماعی زنان واضح است. در تفسیر نمونه در این رابطه آمده است: گرچه جملهٔ "وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللهِ" و یا تعبیرات مشابه آن در قرآن، شاید اغلب به معنای کسب و تجارت و طلب روزی آمده است، ولی مفهوم آن، گسترده است و کسب و کار یکی از مصادیق آن به شمار می‌آید.» (۱۰). طبق تعالیم قرآن، زنان می‌توانند در همهٔ عرصه‌های اجتماعی و حکومتی که مردان در آن دخالت دارند، نقش داشته باشند. بر همین اساس، درصدر اسلام، زنان در مسائل سیاسی دخالت می‌کردند و در صحنه حاکمیت حضوری روشن داشتند. برخی از فقها نیز معتقدند که زن به لحاظ شرعی می‌تواند تمام مناصب مدیریتی، نمایندگی و وزارت را عهده دار گردد.

سنت

براساس سیره و رفتار پیامبر (ص) و ائمهٔ طاهرین (ع)، فعالیت اجتماعی واشتغال زنان مسلمانی که در زمان حیات ایشان، در مشاغل گوناگون، به استثنای مشاغل فسادانگیز، فعالیت و کسب درآمد می‌کردند و مورد تأیید بوده، به خوبی گویای جواز نقش‌آفرینی آنان است. حتی پیامبر در این زمینه احکامی را نیز به زنان یاد می‌دادند. اشتغال زنان در عصر رسالت، به شکلی گسترده در بسیاری از مشاغل رایج آن زمان، از جمله صنایع دستی، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، تجارت، بازرگانی، امدادگری و ... وجود داشته است و مورد نهی قرار نگرفته است و ائمه (ع) آن را در چارچوب احکام اسلام امضاء کرده‌اند (۱۱). در تفسیر المیزان آمده است: پیامبر زنان را از امور غیرعامه، از قبیل تعلیم و تعلم، پرستاری و مداوای بیماران، منع نفرموده است». رسول خدا (ص) می‌فرماید: «طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمه: طلب درآمد حلال ، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است." (۱۲). در واقع از دیدگاه اسلام نه تنها فعالیت‌های مجاز برای زن و مرد جایز می‌باشد، بلکه مورد تأکید و توصیه است. (۱۲).

با توجه به روایات ارائه شده باید اذعان داشت که زنان با توجه به توانایی‌ها و شایستگی‌های ذاتی و اکتسابی خود می‌توانند در مشاغل و مناصب مهم‌تری نسبت به مشاغل سنتی اعصار گذشته، نقش‌آفرینی نمایند. این موضوع با توجه به آیات ارائه شده در این تحقیق به خوبی محرز و مشخص گردیده است.

چالش‌های اخلاقی[15] اشتغال بی‌رویه زنان

اشتغال بی‌رویه زنان، یعنی فعالیت‌های آنها در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... در ساعات معین، خارج از محیط خانه به گونه انعطاف‌ناپذیر در کارخانه‌ها، اداره‌ها و ... که متناسب با ساختار روحی و روانی زنان نباشد و باعث آسیب‌پذیری تربیت فرزندان گردد و ساختار و سلامت و نوع عملکرد خانواده را دستخوش تغییر قرار دهد. این نوع از اشتغال، چالش‌های اخلاقی پرشماری را برای خانواده‌ها در پی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

بی‌عدالتی و تکلیف مالایطاق

ضرورت اشتغال زنان و «مزد برابر در برابرِ کار برابر» ازجمله شعارهای اصلی و محوری جنبش زنان در غرب برای دستیابی به استقلال اقتصادی و رهایی از سیطره مردان بوده است. در ماده ۱۱ کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض از زنان آمده است:

«دُوَل عضو، کلیه اقدامات مناسب را به عمل خواهند آورد تا هرگونه تبعیض علیه زنان درزمینه اشتغال از بین برود و براساس اصل تساوی زنان و مردان، حقوق مشابه برای آنها تضمین شود» (۱۳).

همچنین در ماده ۲۷ اعلامیه پکن آمده است:

اکنون مرزهای تقسیم جنسیتی کار به نفع نقش‌های تولیدی و زادآوری تدریجاً در حال از میان رفتن است؛ زیرا زنان ورود به عرصه‌هایی از کار را که پیش‌تر در سلطه مردان بود، به دست گرفته‌اند و مردان مسئولیت بیشتری در وظایف خانه، به‌ویژه مراقبت از کودکان را آغاز کرده‌اند. (۱۳)

باید اذعان نمود که اشتغال بانوان اگرچه با هدف ایجاد برابری اقتصادی و اجتماعی میان زنان و مردان مطرح شد، در مقام عمل، بی‌عدالتی و نابرابری‌های به‌مراتب شدیدتری را بر زنان در غرب تحمیل کرد. به عبارت دیگر، اشتغال زنان نه‌تنها به برابری زنان و مردان کمکی نکرد، نابرابری موجود را تعمیق بخشید و مشکلات گسترده‌تری را برای آنان به بار آورد؛ زیرا از یک‌سو به تعدد نقش‌ها و مسئولیت‌های زنان (فشار مضاعف) انجامید و از سوی دیگر، آزار جنسی و تحقیر زنان در محل کار را به دنبال داشت. (۱۳) .

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1400.16.3.3.0]

در جوامعی که اشتغال زنان دچار افراط شده است ـ زیرا اشتغال زنان یعنی اینکه مرد یک شغل دارد و زن دو شغل: یکی حرفه‌ای و دیگری خانه‌ای ـ زنان با کمبود وقت روبه‌رو هستند. حتی اگر زن در خارج از منزل کار کند، سنگین‌ترین وظایف مربوط به کارِ منزل را بر دوش دارد که با توجه به محدود بودن توان جسمی او می‌تواند او را دچار افسردگی، عصبانیت و بی‌حوصلگی نماید. در تحقیقات متعددی که در مورد نگرش مردان به کار همسر صورت گرفته، مشخص شده است که از دید مرد، اگر کار زن در خارج از خانه به رسیدگی‌های او به مسائل خانوادگی صدمه‌ای نزند، اشکال ندارد. به عبارت دیگر، مردها از همسران خود می‌خواهند دو نوع کار را هم‌زمان با یکدیگر انجام دهند: کاری که در حیطه عمومی صورت می‌گیرد و به‌سبب آن دستمزد می‌گیرند و کار در حیطه خصوصی خانواده. (۱۳)

سوءاستفاده‌ها و آزارهای جنسی علیه زنان شاغل

حضور و مشارکت برابر زنان در محیط‌های کار بیرون از خانه و قرار گرفتن در کنار همکاران مرد، ازجمله مقوله‌هایی است که همواره طرفداران دیدگاه‌های فمینیستی ترویج کرده‌اند. جوامع غربی در حرکتی هماهنگ با نادیده‌انگاری تفاوت‌های زیستی و غریزی زنان و مردان، فرصت‌های مساوی و متعددی برای اشتغال زنان ـ حتی در کارهایی که صرفاً مردانه هستند، مانند معدن و بنایی فراهم آوردند؛ اما این امر معادله را به نفع مردان و به ضرر زنان تغییر داد. (۱۵) قدرت برتر جسمانی و تمایلات شدید غریزی مردانه از یک‌سو و زیبایی و ضعف جسمانی زنان در مقایسه با مردان از سوی دیگر، و در منظر بودن آنها از سوی سوم، موجب شد تا اذیت و آزار مردان علیه زنان در محیط کار به وقوع بپیوندد. این اذیت و آزارها گاه به شکل تحقیر و توهین به زنان از طریق واگذاری کارهای حاشیه‌ای و پَست به آنان و پرداخت حقوق و مزایای کمتر در مقایسه با مردان و گاه در قالب آزارها و خشونت‌های جنسی مردان همکار و ضرب و شتم آنان صورت می‌گرفت.

صاحبان سرمایه پس از شناخت زن و جداسازی پوشش از پیکر او، با تزئین اندام وی و تأکید و تبلیغ فراوان بر ارزش‌های ظاهری او کوشیدند تا دیگر ارزش‌های آسمانی او فراموش شود و زن، ابزار افزایش ثروت ایشان گردد. آنها با شناخت جنبه‌های روحی و جسمی زن، وی را به‌کار گرفتند و مطمئن بودند که چون قدرت اعتراض و توان جسمی او کمتر از مرد است، پس از استخدام، به مزد کم قانع است و شورش و اعتصاب نمی‌کند. از طرفی چون زن بیش از مرد، جذّاب و تأثیرگذار است، مسئولیت مراکز و فروشگاه‌های بزرگ را به وی سپردند تا در جلب مشتری و فروش جنس موفق‌تر باشد و آنها کم‌کم مهار مردان را بیش‌ازپیش در دست گرفتند.

در جذب زنان برای کار نیز آنهایی پذیرفته می‌شوند که زیبا، خوش‌اندام و ... باشند. رفته‌رفته هیچ کالایی به فروش نمی‌رسید، مگر اینکه یک زن، معرّف آن بود. تنها مانع پیشرفت این طرح سودجویانه، پوشش زن بود که دنیای زنان را از مردان متمایز می‌سازد. عاملی که زن را از جلوه‌گری در حضور بیگانه بازمی‌دارد و افراد هوسران را از او ناامید می‌سازد. آزار جنسی در محل کار می‌تواند نوعی استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت به‌منظور تحمیل خواست‌های جنسی تعریف شود. این کار ممکن است گونه‌های خشنی به خود بگیرد. تفاوت‌های زیستی و واقعی زنان و مردان، به‌رغم نادیده‌انگاری فمینیست‌ها وجود دارد و موجب می‌شود تا زنان در غرب، قربانی تمایلات جنسی مردان گردند. آمار رو به افزایش تجاوز، خشونت و آزار جنسی، پیامد نادیده‌انگاری همین واقعیات است.

عدم تمایل به فرزندآوری

ارتباط میان دو متغیر اشتغال زنان و سقوط رشد جمعیت در نگاه جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان به‌قدری بدیهی است که برای کنترل و تعدیل رشد جمعیت در کشورهای جهان سوم، اشتغال بانوان را آمارهای مربوط به دو کشور فرانسه و آمریکا نشان می‌دهد که تعداد کودکان زنان شاغل معمولاً نسبت به زنانی که شاغل نیستند، کمتر است. (۱۳) اشتغال زنان در بیرون از خانه باعث می‌شود تا زنان انگیزه‌ای برای بچه‌دار شدن نداشته باشند؛ زیرا وقتی برای رسیدگی به امور کودک ندارند. در درون خانواده نیز تقسیم نقش مشخص، حاکم است. زن مسئولیت کامل پخت‌وپز، نظافت، خرید، شست‌وشو و ... را برعهده دارد و کمک‌های مرد در حد تعمیرات جزئی یا انجام امور سادهٔ منزل برحسب تقاضای زن است. وظایف دوجانبه مادر، کمبود وقت و به مخاطره افتادن تربیت فرزندان به دلیل عدم حضور مادر در خانه، باعث شده تا مادران در کشورهای صنعتی، حتی در کشورهایی که به دلیل کمبود جمعیت، امتیازاتی خاص برای آنان در نظر گرفته‌اند، تمایل به تولیدمثل و فرزندآوری نداشته باشند.

ایجاد روحیه تقابل بین همسران (از بین رفتن تحکیم خانواده)

برای تحکیم اساس خانواده باید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که نظم خانواده پابرجا بماند؛ گاهی زن و شوهر، خسته از کار بازمی‌گردند و نیازمند استراحت، مهر و پذیرایی از طرف مقابل هستند؛ لیکن آن طرف نیز لقمه نانی خورده یا نخورده، از فرط خستگی در گوشه‌ای می‌خوابد و در این صورت، اجتماع خانواده شکل نمی‌گیرد. زن استقلال و استغنای خود را به رخ می‌کشد و مرد به‌ناچار، بیرون از منزل، مشکلات خود را برطرف می‌کند و این آغاز فروپاشی خانواده است که در پی آن، اجتماع ازهم پاشیده خواهد شد و روابط عاطفی و همسایه‌داری و دید و بازدیدها و صله رحم و ...، همه رخت برمی‌بندد و یک زندگی متحجّرانه و خشک و نامأنوس گسترش یافته، مهر و عطوفت به خشونت، جنگ، سلاح و کشتار بدل می‌شود(۱۴). بنابراین در تنظیم روابط اجتماعی و ارائه الگوی حضور و مشارکت اجتماعی زنان، باید آثار این فعالیت‌ها در تحکیم یا تضعیف پیوندهای خانوادگی، محور مطالعه قرار گیرد و برآیند تمامی طرح‌ها، هم‌جهت با رشد و پویایی خانواده باشد.

مقاله مروری
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال شانزدهم، شماره ۳، ۱۴۰۰
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1400.16.3.3.0]

جدایی و طلاق

بسیاری از محققان مشاهده کرده‌اند که گرچه درحال حاضر، زنان بیشتری دارای اشتغال هستند، بسیاری مردان از ایشان انتظار دارند به‌تنهایی مسئولیت بیشتر کارهای خانه‌داری و بچه‌داری را برعهده داشته باشند. تنشی که این درخواست‌های مختلف در محیط خانواده ایجاد می‌کند، اغلب می‌تواند هریک از دو طرف را به فکر طلاق بیندازد. سرانجام اینکه، افزایش استقلال اقتصادی زنان و هم زمان با آن، اعتقاد فزاینده ایشان به حقوق خویش به آنها اجازه داده است که در صورت عدم رضایت از زناشویی به طلاق روی آورند. در برخی از کشورها، بیشتر طلاق‌ها (۷۳ درصد) را زنان تقاضا کرده‌اند(۱۵). در حقیقت، تأکید افراط‌گونه بر حقوق فردی، اشتغال بانوان و استقلال اقتصادی آنان، سه اثر مخرب و مهم بر نهاد خانواده گذاشته است: اولاً، ریسمان نیازمندی متقابل اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر را به یکدیگر سست کرده است؛ ثانیاً، به سبب عدم رسیدگی مطلوب و کامل بانوان به امور خانه و خانه‌داری، اختلافات خانوادگی و ناسازگاری‌ها را افزایش داده است؛ ثالثاً، قدرت چانه‌زنی زنان را برای طلاق، جدایی و رهایی از رنج زندگی مشترک افزوده است. فمینیسم معاصر به زنان القا می‌کند که نسبت به شوهرانشان بی‌اعتماد باشند و از ترس مضیقه مالی، از ترک مشاغل خود اکراه داشته باشند. «فریدان» می‌گوید: جنبش زنان به‌شدت دغدغه آن را داشت که «برابری حقوق و فرصت‌ها باید به معنای برابری مسئولیت‌ها باشد و در نتیجه نفقه از بین رفت». (۱۶).

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این تحقیق ارائه گردید، بدست می‌آید که اندیشهٔ یکسانی و یگانگی ماهوی زن و مرد اندیشه‌ای است که از قرآن کریم و سنت معصومین نشئت می‌گیرد. در این تفکر زن همپای مرد، با شناخت و عمل، به قلهٔ تعالی و تکاملِ ممکن برای نوع انسانی دست می‌یابد. یعنی زن در سایهٔ تعالیم اسلام می‌تواند در تمام ابعاد تا عالی‌ترین رتبه انسانی‌اش رشد کند. براساس تحقیق مورد مطالعه شرایط نقش‌آفرینی اجتماعی زن مطلوب است؛ مطابق ذیل باشد:

۱. اولین اصل در فعالیت و نقش‌آفرینیِ مؤثر زن در عرصه اجتماع ، ارتقا توانمندی و قابلیت‌های علمی، تخصصی و جسمی وی، می‌باشد.

۲. متفاوت بودن فضای درون و بیرون از خانه، دو مقوله رفتاری متفاوت را به‌دنبال خواهد داشت. حضور اجتماعی سازنده و مفید باید در چارچوب موازین شرعی اسلام، یعنی رعایت پوشش اسلامی، حفظ حیا و پاکدامنی، پرهیز از هر نوع خودنمایی و تبرّج و ... باشد.

۳. انجام درست وظایف مادری و همسری، رعایت قوامیت مرد در زندگی شخصی از سوی زن، فعالیت و نقش‌آفرینی اجتماعی زن را، به یک حضور اجتماعی سازنده تبدیل کرده، موجب حفظ و تحکیم بنیان خانواده خواهد شد.

۴. نقش افرینی زنان در جامعه خالی از چالش و مشکل نبوده و در این خصوص مسائل و چالش‌های اخلاقی وجود دارد مهمترین این چالش ها شامل: بی عدالتی و تکلیف مالایطاق»، «سوءاستفاده و آزارهای جنسی علیه زنان»، «عدم تمایل به فرزندآوری»، «ایجاد روحیه تقابل بین همسران» و «جدایی و طلاق» می‌باشد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Role-Playing	نقش آفرینی
2. Social activity	فعالیت اجتماعی
3. Social experience	تجربه اجتماعی
4. Social challenges	معضلات اجتماعی
5. Rape and sexual harassment	تجاوز و آزار جنسی
6.Social respocibility	مسئولیت اجتماعی
7.Ethical relationship	روابط اخلاقی
8. The principle of justice	اصل عدل
9. Salvation and perfection	رستگاری و کمال
10. Freedom	آزادی
11. Economic efficiency	بهره وری اقتصادی
12. Ownership	مالکیت
13. Population control	کنترل جمعیت
14. Capitalism	نظام سرمایه داری
15.Ethical challeges	چالش های اخلاقی

References

1. Taherinia A. (2006). Woman and the quality of her presence in society from the perspective of the Qur'an. Marefat; (107). (In Persian).
2. Seyedi Tabar AS. (2018). Social presence of women from the perspective of the Quran. Qom: Aria Law House Institute. (In Persian).
3. Botorabi K. (2006). The social and political position of women in Islam. Tehran: Tashayoo Encyclopedia. (In Persian).
4. Motahari M (1996). Women and judicial and political issues. Tehran: Sadra Publication. (In Persian) .
5. Motahari M. (2006). The system of women's rights in Islam. Tehran: Sadra Publication. (In Persian).
6. Kahrizi M, Moradi A. (2016). Ethical challenges of women's employment for the family (comparative study of Islam and feminism and providing solutions). Journal of Ethics Research Letter; 8(28). (In Persian).
7. Office of Women's Studies and Research (2004). Women's employment. Women's Scientific, Cultural and Social Monthly;(8). (In Persian).
8. Hadavi Tehrani M. (1995). rules for women's employment. Journal of Payam Hozeh; (14). (In Persian).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1400.16.3.3.0]

9. Tabatabaii SMH. (2004). Tafsir Almizan. Qom: Daroalkotob Islamieh. (In Arabic).
10. Makarem Shirazi N. (2004). Tafsir Nemoneh. Qom: Daroalkotob Islamieh. (In Persian).
11. Saeedzadeh M. (1995). Women's jobs in the age of mission. Women's Message Magazine.
12. Majlesi MM. (1404 Ah). Baharo Al Anvar. Beyrot: Alvafagh Institute. (In Arabic).
13. Hajari AR. (2007). Global feminism and the challenges ahead. Qom: Bostan Ketab. (In Persian).
14. Javadi Amoli A. (2004). Woman in the mirror of glory and beauty. Qom; Asra Publication. (In Persian).
15. Moore S. (1997). An introduction to sociology. Translated by: Saqebfar M. Tehran: Phoenix Publication. (In Persian).
16. Gralia C. (2006). Feminism in America until 2003. Translated by: Mohammadi M. Qom: Maaref Publishing. (In Persian).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1400.16.3.3.0]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1400.16.3.3.0] [Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1400.16.3.3.0] [Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-23]